

نقش واسطه‌ای تنظیم شناختی هیجان در رابطه‌ی بین رابطه‌ی والد-فرزندی و پرخاشگری  
آناهیتا نعمت‌زاده<sup>۱</sup>، فریبرز باقری<sup>۲</sup>، خدیجه ابوالمعالی<sup>۳</sup>

**The prediction of the quality of marital life based on communication patterns and subjective well-being, taking into account the role of mediating intimacy**

Anahita Nematzad<sup>1</sup>, Fariborz Bagheri<sup>2</sup>, Khadijeh Abolmaali<sup>3</sup>

**چکیده**

**زمینه:** مطالعات متعددی به تنظیم شناختی هیجان بر مهارگری خشم اشاره کرده اند؛ اما مسأله پژوهش این است که آیا رابطه والد فرزند با میانجی‌گری تنظیم شناختی هیجان بر مهار ابراز خشم اثر دارد؟ **هدف:** هدف از پژوهش حاضر تعیین نقش میانجی تنظیم شناختی هیجان در رابطه‌ی بین رابطه‌ی والد-فرزندی و پرخاشگری در نوجوانان دختر بود. **روش:** روش پژوهش توصیفی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری است. جامعه این پژوهش دانش‌آموزان دختر پایه هشتم دوره اول متوسطه شهر تهران در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ بود. جهت انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. در مجموع ۳۲۰ دانش‌آموز به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. پرسشنامه‌های پژوهش شامل پرخاشگری ابوالمعالی (۱۳۹۲)، مقیاس رابطه‌ی والد فرزند باقری (۱۳۹۱)، و پرسشنامه نظم‌جویی شناختی هیجانی گارنفسکی (۲۰۰۱) بودند. **یافته‌ها:** داده‌های پژوهش با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری، تجزیه و تحلیل شدند. نتایج بدست آمده از تحلیل فرضیات پژوهش نشان داد که شاخص‌های برازش مدل پژوهش در وضعیت مطلوبی قرار دارد ( $GFI > 0.9$ ). همچنین متغیر رابطه‌ی والد-فرزند بر پرخاشگری نوجوانان هم اثر مستقیم و هم اثر غیرمستقیم (با میانجی‌گری نظم‌جویی هیجان) دارد. **نتیجه‌گیری:** این بدین معناست که برطرف کردن مشکلات خانواده و ایجاد فضایی مناسب در خانه منجر به بهبود تنظیم شناختی هیجان و در نتیجه کاهش پرخاشگری نوجوانان می‌شود. **واژه کلیدی‌ها:** تنظیم شناختی هیجان، رابطه‌ی والد-فرزند، پرخاشگری

**Background:** Several studies have pointed to cognitive emotion regulation on anger management, but the research question is whether the parent-child relationship has effect on inhibiting anger with mediating role of cognitive-emotional regulation? **Aims:** One of the factors that reduces adolescent aggression is creating a warm and intimate family and a loving relationship between parents. **Method:** The purpose of this study was to mediate the cognitive-emotional regulation in the relationship between parent-child relationship and aggression in adolescent girls. The method of this research is a descriptive model of structural equation. The population of this study was the female students of the 8th grade of the first high school in Tehran during the academic year of 2017-18. A multistage cluster sampling method was used to select the sample. A total of 320 students were selected as sample groups. The research questionnaires included Abol-Majali's aggression (2011), parent-child relationship correlation scale (2012), and Gharnovsky's cognitive-emotional ordering questionnaire (2001). Data were analyzed using structural equation modeling method. **Results:** The results of the analysis of the hypotheses of the research showed that the fitting indices of the research model are in a favorable situation ( $GFI > 0.9$ ). **Conclusions:** Also, the parent / child relationship variables have an indirect effect on adolescent aggression (indirectly due to cognitive emotion regulation). This means that solving family problems and creating a suitable home environment can improve cognitive emotion regulation and, as a result, reduce adolescent aggression. **Key words:** cognitive-emotional regulation, parent-child relationship, aggression

Corresponding Author: f.bagheri@srbiau.ac.ir

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری روانشناسی دانشگاه علوم تحقیقات، تهران، ایران

<sup>۱</sup> PhD student of Psychology, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran

<sup>۲</sup> دانشیار، گروه روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده‌ی مسئول)

<sup>۲</sup> Associate Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author)

<sup>۳</sup> دانشیار، گروه روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، ایران

<sup>۳</sup> Associate Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Roudehen Branch, Tehran, Iran

## مقدمه

به گفته روانشناسان اجتماعی مخرب‌ترین نیرو در روابط اجتماعی، پرخاشگری<sup>۱</sup> است که دو جنبه متفاوت دارد: یکی عینیت (عمل) و دیگری ذهنیت (احساسات). منظور از عینیت در اینجا این است که پرخاشگری تجلی عینی و قابل مشاهده در رفتار پیدا می‌کند. اما واژه ذهنیت بالعکس دلالت دارد بر یک احساس درونی و غیرقابل مشاهده؛ این احساس ترکیبی از افکار، هیجان‌ها و گرایش‌های رفتاری است که به صدور رفتار پرخاشگرانه منجر می‌شود (ابوالمعالی، ۱۳۹۲). پرخاشگری احساس‌های منفی نشان داده شده توسط فردی است که در شرایط تنیدگی‌زا قرار دارد (ساین، لاندی، هایمز و کری داد، ۲۰۱۱). رفتار پرخاشگرانه به عنوان اقدامی نسبت به فرد یا شیء خاص با هدف صدمه یا ترساندن دیگران است (دوی، پری هاتسانتی، ستیاوان و سیسواتی، ۲۰۱۵). در واقع پرخاشگری، تمایل به آسیب جسمی یا عاطفی به دیگران است که شامل پرخاشگری فیزیکی از طریق رفتارهایی مانند شکستن اموال دیگران، هدف قرار دادند دیگران، هل دادن، پرتاب اشیاء یا صدمه زدن به حیوانات و همچنین پرخاشگری کلامی از طریق رفتارهایی مانند استدلال، انتقاد، تهدید، توهین و یا سرزنش دیگران بروز می‌کند (ترینز، اسانا، الیورز و کابرا، ۲۰۱۳). پرخاشگری واکنشی است که تحت عنوان پرخاشگری خصمانه نیز آمده است، رفتاری تلافی‌جویانه است معمولاً بر اساس ترس، تهدید یا پاسخی به یک موقعیت تحریک‌آمیز یا ناکام‌کننده به قصد آسیب‌زدن یا صدمه رساندن به دیگران صورت می‌گیرد. در مقابل پرخاشگری پیش‌فعال، که تحت عنوان پرخاشگری وسیله‌ای نیز آمده است، در تئوری یادگیری اجتماعی بندورا به عنوان رفتاری که به وسیله تقویت‌های بیرونی مهار می‌شود، بیان شده که حساب شده است و انگیزه‌ی کودک و نوجوان از این رفتار، بیشتر برای کسب پاداش و یا تحمیل اراده خود است (الیس، ویس و لاکمن، ۲۰۰۹).

محققان برقراری محیطی گرم و صمیمی در خانواده و رابطه محبت‌آمیز بین والدین و فرزندان را عاملی در جهت کاهش پرخاشگری فرزندان می‌دانند (بروتمن و همکاران، ۲۰۰۹؛ به نقل از

میرزایی کوتنایی، شاکری نیا و اصغری، ۱۳۹۴). این رابطه نقش مهمی در عملکرد فرزندان دارد و از راه این ارتباط دو جانبه با والدین است که فرزندان چیزهایی درباره محیط اطراف خود فرا می‌گیرند. اگر والدین نسبت به علائم فرزندانشان حساس نباشند، آنها را حمایت نکنند، باعث ایجاد حس ناامنی در آنها می‌گردند و در نتیجه فرزندان در ارتباط مؤثر با دیگران مشکلاتی خواهد داشت (پی، ۲۰۱۱). کودکانی که از سوی والدین طرد می‌شوند مورد غفلت قرار می‌گیرند و یا شاهد اختلاف والدین هستند با احتمال بیشتری رفتار پرخاشگرانه نشان می‌دهند. والدین غافل نسبت به نیازهای کودک بی‌توجه هستند و انتظارات کمی از فرزندانشان دارند. یکی از دلایل پرخاشگری این کودکان برای این است که مورد توجه والدین واقع شوند. کیفیت تعامل والد-فرزند در چگونگی بررسی و تفسیر فرزندان از جهان اطرافش هم تأثیرگذار است (مورای، دیور، رابین، نایتون-ویسور و باث-لافورث، ۲۰۱۴). کودک بر اساس تجربه‌های اولیه در برخورد با دیگران نیات آنها را تفسیر می‌کند؛ بدین گونه که وقتی کودکی تجربه‌های اولیه خوبی نداشته باشد، در برخورد با دیگران و برداشت رفتارهایشان به ویژه اگر مبهم باشد و نیات پرخاش‌جویانه و یا نیکوکارانه آنها واضح نباشد، گرایش به تفسیر اشتباه رفتار دارد و واکنشی خصمانه نشان می‌دهد (پی، ۲۰۱۱).

تحقیقاتی که در زمینه مشکلات رفتاری صورت گرفت است، اغلب این نتیجه را در برداشته است که اختلال‌های رفتاری مانند پرخاشگری بیشتر حاصل خانواده‌های مشکل‌دار، ساختار ناسالم و نحوه ارتباط نامطلوب والدین با فرزندان است تا عوامل ژنتیکی و بیولوژیکی (یاکوب، ۲۰۱۰).

ارتباط ویرگول موتور روابط اجتماعی و یک ضرورت برای همه روابط است و هنگامی که با تعامل والد-فرزند<sup>۲</sup> می‌آید نقش حیاتی ایفا می‌کند. ایجاد و حفظ روابط بین والدین و فرزندان است که باعث تعامل قوی بین والدین و کودک می‌شود و به طور قابل توجهی به درک و پذیرش متقابل بین والدین و فرزند کمک می‌کند (پاپو و ایلسنمی، ۲۰۱۵). کارنس هولت (۲۰۱۲) معتقد است تعامل والد-فرزندی نخستین معرف دنیای ارتباطات کودک و یک رابطه مهم و

2. parent-child relationship

1. Aggression

توان خانواده‌ای را یافت که نوع ارتباط حاکم بین والد- فرزند مطابقت کامل با این چهار وضعیت داشته باشد. هر یک از چهار وضعیت در ابعاد چهارگانه مجموعاً عناصر یک الگوی خاص از ارتباط والد-فرزند را تشکیل می‌دهند. بدین ترتیب سه الگوی اصلی مدل عبارتند از: ۱- الگوی امنیت مدار، ۲- الگوی آزادی مدار و ۳- الگوی تعادلی. برای توصیف نوع ارتباط والد-فرزند بهتر است از نیمرخ سخن گفت تا الگوی خاص. به ندرت رفتارهای والدین به طور یکدست گرایش کامل به هر چهار وضعیت یک الگوی خاص دارند (باقری، ۱۳۹۱). در خصوص اهمیت رابطه والد-فرزند بیشتر پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که عامل خانواده و مخصوصاً رفتار والدین در دوران کودکی نقش مهمی در بروز مشکلات رفتاری در کودکی و بزرگسالی دارد، زیرا کودکان آینه والدینند و رفتار کودک عکس‌العملی به عوامل محیطی و خصوصاً نسبت به عملکرد والدینش است (رانکان و همکاران، ۲۰۱۲). می‌توان گفت تئیدگی و تعارض والد - نوجوان در طول نوجوانی به عنوان یک واقعه دوتایی، میان فرد، اختلاف رفتاری آشکاری مانند نزاع، اختلاف و بحث را در بر می‌گیرد (شانز، ۱۹۸۷)؛ به نقل از فورهند و همکاران، ۱۹۸۸). نقش تعارض در روابط خانوادگی از تعارض‌های میان فردی دیگر به دلیل این که خانواده‌ها با روابط نزدیک، طولانی مدت مشخص می‌شوند که در طول زمان و موقعیت‌های رشدی تغییر می‌کند، متفاوت است (وایت، ۲۰۰۱)؛ به نقل از اسدی، جاویدی و قاسمی، ۱۳۹۴). برای مثال، تعارض والد - فرزند در طول کودکی شامل مهار و کنترل فیزیکی است (هوی، هیات، لارسن، بورک و رایین، ۲۰۱۷)؛ و در مقابل تعارض والد - فرزند در طول نوجوانی به احتمال بیشتر اختلافات کلامی را به نسبت فیزیکی شامل می‌شود روابط بین والدین و نوجوانان در طول دوره نوجوانی در مقایسه با روابط والد - کودک بدتر شده و این بدتر شدن روابط والد - کودک با افزایش تعارض، کاهش رضایت والدینی از رفتار نوجوانان نشان داده می‌شود (اسمکوسکی، رز، ذاکالو، کوتر و ایوانز، ۲۰۱۷). محققین آسیب‌شناسی روانی معتقدند که داشتن عملکرد موفق در تعاملات اجتماعی، پرخاشگری و خشونت تکانشی و احساس شرمندگی و گناه نیز در نتیجه‌ی تنظیم ناکافی پاسخ‌های هیجانی ایجاد

حیاتی برای ایجاد امنیت و عشق است که مشکل از ترکیبی از رفتارها، احساسات و انتظاراتی است که منحصر به پدر و مادر خاص و یک کودک خاص است. در دو دهه گذشته الگوی ۶-های نظری متعددی درباره ارتباط والد-فرزند ارائه شده است. یکی از الگوهای نظری که خاستگاه آن فرهنگ و تفکر بومی است، الگوی ارتباط والد-فرزند باقری (۱۳۹۱) است. تمرکز این الگوی نظری بر تأثیر ویژگی‌های ارتباط بین والد و فرزند بر جهت‌مندی و فعالیت‌های هدفمند فرزند است. وجود این ویژگی‌ها الزاماً آگاهانه و با هدف تربیتی توسط والدین وارد ارتباط نشده است. مراد از هدفمندی، رابطه‌ی معنادار است که در زنجیره فعالیت‌ها و برنامه‌های یک فرد در طول زمان مشاهده می‌شود، محصول وجود ارزش‌ها، باورها و قواعدی است که از درون آنها کشش‌ها و رانش‌ها به سوی موضوعی در فرد ایجاد می‌شود، در او حس معنا و انگیزه برای انجام فعلی ایجاد می‌کنند و بر اساس آنها وی در بین جریان‌های فکری و شبکه‌های زندگی موجود جامعه خود، جهت‌یابی می‌کند و به موضع و جایگاه خود و پیامدهای آن برای تحول خودآگاه می‌شود. بر اساس این الگوی نظری، شکل‌گیری هدفمندی و جهت‌مندی و یا آسیب آن فرآیند تدریجی است که منابع بیشماری در آن اثرگذار هستند و مهم‌ترین آنها عبارتند از: ۱- خانواده، ۲- رسانه‌های جمعی، ۳- نظام آموزشی، ۴- گروه همسالان، ۵- احزاب سیاسی، ۶- ارزش‌ها، افکار و اندیشه‌های شخصیت‌های برجسته که نقش الگو را ایفا می‌کنند. الگوی ارتباط والد-فرزند تأثیر ناشی از خانواده بر جهت‌مندی را مورد توجه قرار می‌دهد. نحوه شکل‌گیری جهت‌مندی و فعالیت‌های هدفمند در افراد متأثر از چهار متغیر است که در الگوی والد-فرزند چهار بعد اصلی مدل را تشکیل می‌دهند. این چهار بعد عبارتند از: ۱- ارزش‌ها، باورها و قواعد؛ ۲- حمایت در کسب تجربه. ۳- فردیت؛ ۴- خودپذیری. در دو انتهای هر بعد، حالات افراط و تفریطی قرار دارد که هر یک به شکل متفاوت موجب آسیب در شکل‌گیری هدفمندی و جهت‌مندی سامانه روانی و رفتاری فرد می‌شوند. در وسط چهار بعد، وضعیت تعادلی این چهار متغیر وجود دارد که بیشتر حالت هنجاری و آرمانی این چهار متغیر را به تصویر می‌کشند. منظور از حالت هنجار و آرمانی بدین معنا که به سختی می

مشخص گردیده که پیش‌تنظیمی هیجان ممکن است به وسیله افزایش عاطفه منفی، کاهش بازداری‌ها بر ضد پرخاشگری، تسلیم کردن فرآیندهای تصمیم‌گیری، تنزل شبکه‌های اجتماعی و افزایش برانگیختگی فیزیولوژیکی موجب رفتار پرخاشگرانه شود (روبرتون، دافرن و باکس، ۲۰۱۲). بر طبق پژوهش‌هایی که توسط سیاروچی، چان و سیپوتی (۲۰۰۱) انجام شده است کنترل ضعیف هیجانات ناخوشایند در افرادی که از خودکنترلی هیجانی پایینی برخوردارند، موجب عدم سازگاری و انطباق ضعیف‌تر آنان خواهد شد. همچنین افراد با خلق گرم (پر حرارت یا تندخو) به طور مزمونی هیجانانگیزان را به شدت و به صورت عمیق تجربه می‌کنند، نسبت به افراد دیگر به صورت شدیدتری واکنش نشان می‌دهند و این حالت خلقی خود را به مدت بیشتری نگه می‌دارند زیرا این افراد به علت اجتناب از سبک‌های مواجهه و کنار آمدن می‌توانند دچار ناسازگاری اجتماعی شوند و بنابر پیشنهاد آنان کنترل هیجانات توسط نوجوانان در بالا بردن سازگاری آنها بسیار مؤثر است. موری و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهش خود به این نتایج دست یافتند که کیفیت تعامل پدر-دختر و مادر-دختر با سطوح پایین‌تری از پرخاشگری دختران همراه بوده است؛ یافته‌های این پژوهش نشان داد تعاملی که دخترها به طور مشترک با هر دو والد خود دارند، پیش‌بینی‌کننده قوی‌تر پرخاشگری است.

در نظر گرفتن اهمیت مقوله‌ی رابطه‌ی والد-فرزند با در نظر گرفتن نقش میانجی تنظیم هیجان و نقش هر کدام از این متغیرها در پرخاشگری، محقق را بر آن داشت تا به پژوهش در این زمینه بپردازد. از آن‌جایی که پژوهشی در خصوص ارتباط متغیرهای مذکور به طور همزمان صورت نگرفته، خلاء پژوهشی در این حوزه احساس می‌شود. بنابراین مسأله پژوهش حاضر بررسی این سؤال است که در قالب یک مدل، آیا مدل پیش‌بینی پرخاشگری براساس رابطه والد-فرزند با میانجی‌گری تنظیم هیجان در نوجوانان از برآش مطلوبی برخوردار است؟

می‌گردد (ساندلر، تین و وست، ۱۹۹۴) مثلاً گفته شده است که عدم تنظیم هیجان می‌تواند منادی رفتارهای مشکل‌آفرینی همچون خشونت باشد (دیلون، ریتکی، جانسون و لا-بار، ۲۰۰۷). تنظیم هیجان به توانایی فهم هیجان‌ها، تعدیل تجربه و ابراز هیجان‌ها اشاره دارد (فلدمن، گراس، کریستنسن و بنوناتو، ۲۰۰۱). تنظیم هیجان سازگارانه با سازگاری و تعاملات مثبت مرتبط است و موجب افزایش فراوانی تجربه‌ی هیجان مثبت و مقابله‌ی مؤثر با موقعیت‌های استرس‌زا می‌شود و حتی توانایی فعالیت‌های واکنشی لازم را در پاسخ به موقعیت‌های اجتماعی بالا می‌برد (توگاد و فردریکسون، ۲۰۰۲).

از دیدگاه پردازشی - تجربه‌ای، چنین فرض می‌شود که هیجان‌ها نقش اصلی را در بدکارکردی روان‌شناختی بازی می‌کنند. این دیدگاه پیشنهاد می‌کند که هیجان‌های منفی مهم و اساسی مانند بی‌ارزشی و ناامنی ممکن است باعث ایجاد طرحواره‌های عاطفی - شناختی پیچیده ناسازگار شود؛ در نتیجه، ادراک فرد از الگوهای هیجانی را شکل داده و احساس فرد را به خود و جهت‌گیری او را به جهان تغییر دهد (به نقل از فکس، راسو و داتون، ۲۰۰۱). توانایی تنظیم شناختی عواطف<sup>۱</sup>، همگانی است. اما چون در دوران نوجوانی، نوجوانان با تجارب متفاوت و منحصر به فرد مواجه و دست‌خوش تغییرات جسمانی، اجتماعی، روانی می‌شوند چنین تغییراتی منجر به کاهش ظرفیت مقابله مؤثر در آنها می‌گردد؛ لذا در پاسخ به این تجارب هیجان‌های خود را به شیوه‌های متفاوتی کنترل و تنظیم می‌کنند (رودریگز، تونر و پالم، ۲۰۱۶).

در مطالعات متعددی به نقش و تأثیر تنظیم هیجان بر کنترل خشم اشاره کرده‌اند. در مطالعه‌ای که توسط ساز، سنتاگوتای و هافمن (۲۰۱۱) انجام گرفته، اثرات راهبردهای تنظیم هیجان مختلف بر تجربه و ابراز خشم مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تکنیک‌های بازاریابی اثربخشی بیشتری نسبت به تکنیک‌های پذیرش و سرکوب (بازداری) برای تعدیل تجربه و ابراز خشم دارد. در مطالعه‌ی دیگری که توسط مارتین و داهلن (۲۰۰۵) انجام شده، به این نتیجه رسیده‌اند که بین تنظیم هیجان شناختی با افسردگی، اضطراب، استرس و خشم رابطه وجود دارد. همچنین

1. cognitive-emotional regulation

## تعاریف مفهومی و عملی متغیرها

تعریف مفهومی پرخاشگری: رفتاری است که به قصد آسیب رساندن به شخص یا اموال، اعمال می‌شود و از نظر اجتماعی نیز نامطلوب است. پرخاشگری در برگیرنده‌ی تظاهرات مختلفی مانند پرخاشگری کلامی، تهدید و درگیری فیزیکی است (لابر و دیشن، ۱۹۸۳؛ ص ۸۵).

تعاریف عملیاتی پرخاشگری: نمره‌ای که آزمودنی از پرسشنامه سنجش پرخاشگری ابوالمعالی (۱۳۹۵) کسب نمود. پرخاشگری در پنج بعد ۱. «رفتاری- فعال- خصمانه- وسیله‌ای»، ۲. «عاطفی- واکنشی- خصمانه»، ۳. «رفتاری- واکنشی- کلامی»، ۴. «رفتاری- فعال- غیر کلامی» و ۵. «شناختی- خصمانه- غیر کلامی اندازه‌گیری شد.

تعریف مفهومی رابطه والد-فرزندی: رابطه والد- فرزندى نخستین معرف دنیای ارتباطات کودک و یک رابطه مهم و حیاتی برای ایجاد امنیت و عشق است که مشکل از ترکیبی از رفتارها، احساسات و انتظاراتی است که منحصر به پدر و مادر خاص و یک کودک خاص است (کارنس هولت، ۲۰۱۲؛ ص ۵۲).

تعاریف عملیاتی رابطه والد-فرزندی: نمره‌ای است که آزمودنی از پرسشنامه رابطه والد-فرزندی باقری (۱۳۹۵) کسب نمود. رابطه والد-فرزندی در ابعاد انعطاف‌پذیری، تزلزل- نرمی، کنترل و محدودیت، نازپروردگی، رسمیت، درهم استرس، پذیرش مشروط، رهایی، الگوی امنیت مدار و الگوی آزادی مدار اندازه‌گیری شد.

تعریف مفهومی تنظیم هیجان: به فرآیندهایی که دربردارنده‌ی پاسخ‌دهی و کنترل هیجانات و توانایی تنظیم حالت‌های روان‌شناختی اجتماعی است گفته می‌شود (براکیسزویسکی، ۲۰۱۰؛ ص ۱۰۳).

تعاریف عملیاتی تنظیم هیجان: نمره‌ای است که آزمودنی از پرسشنامه نظم‌جویی شناختی هیجانی گارنفسکی (۲۰۰۱) کسب نمود. این پرسشنامه با ۹ مؤلفه (مؤلفه‌های مثبت: پذیرش تمرکز محدود مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت، دیدگاه-پذیری و مؤلفه‌های منفی: ملامت خویش، نشخوارگری، فاجعه‌سازی و ملامت دیگران) دارای ۳۶ ماده است.

## روش

طرح پژوهش: این پژوهش با توجه به هدف آن از نوع تحقیقات توسعه‌ای و از لحاظ شیوه‌ی گردآوری داده‌ها و تحلیل آنها به روش غیرآزمایشی و از نوع طرح‌های همبستگی می‌باشد. با توجه به اینکه هدف پژوهش حاضر آزمون مدل نظری ارائه شده است، پژوهش در زمره‌ی پژوهش‌های معادلات ساختاری قرار می‌گیرد.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه این پژوهش دانش‌آموزان دختر پایه هشتم دوره اول متوسطه شهر تهران در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ است. جهت انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری ای چند مرحله‌ای استفاده شد. بدین صورت که از مناطق شهر تهران به تصادف ۴ منطقه انتخاب و سپس از مناطق انتخاب شده تعداد ۴ دبیرستان (از هر منطقه یک دبیرستان) انتخاب شد. سپس از هر یک از دبیرستان‌های انتخاب شده تعداد ۸۰ دانش‌آموز پایه هشتم انتخاب (در مجموع ۳۲۰ دانش‌آموز) و پرسشنامه‌های پژوهش را تکمیل نمودند. درباره‌ی حجم نمونه در پژوهش‌های مربوط به روش تحقیق همبستگی از نوع مدل معادلات ساختاری نظرات گوناگون وجود دارد ولی همه بر این موضوع توافق دارند که مدل معادلات ساختاری شبیه تحلیل عامل از فنون آماری است که با نمونه بزرگ قابل اجرا می‌باشد (تاباچنیک و فیدل، ۲۰۰۱). بومسما (۱۹۸۳) به نقل از تاباچنیک و فیدل (۲۰۰۱) حجم حدود ۲۰۰ نفر را برای برآش مدل کافی دانسته است. بر اساس اندازه اثر مورد انتظار و توزیع متغیرهای اندازه‌گیری شده و همچنین لحاظ توان آزمون، به ازای هر پارامتر برآورد شده حداقل ۱۰ آزمودنی ممکن کافی باشد، به شرط اینکه اندازه برآورد اثر بزرگ باشد و متغیرهای اندازه‌گیری شده دارای توزیع نرمال باشند (تاباچنیک و فیدل، ۲۰۰۱). در پژوهش حاضر براساس ابزارهای استفاده شده ۳۲ مؤلفه در مدل وجود خواهد داشت و بنابراین حداقل به ۳۲۰ نفر نمونه نیاز است.

## ابزار

پرسشنامه پرخاشگری ابوالمعالی: این مقیاس توسط ابوالمعالی (۱۳۹۲) ساخت و اعتباریابی شده است. در این مقیاس یک نمره کلی برای پرخاشگری به دست می‌آید و نیز براساس نتایج تحلیل عاملی، پرخاشگری در پنج بعد ۱. «رفتاری- فعال- خصمانه- وسیله‌ای»، ۲. «عاطفی- واکنشی- خصمانه»، ۳. «رفتاری- واکنشی- کلامی»، ۴. «رفتاری- فعال- غیر کلامی» و ۵. «شناختی- خصمانه- غیر کلامی» اندازه‌گیری می‌شود.

پایایی نمره کل این پرسشنامه ۲۹ سؤالی با استفاده از روش

پرسشنامه نظم‌جویی شناختی هیجانی گارنفسکی: پرسشنامه نظم‌جویی شناختی هیجانی، یک پرسشنامه‌ی خودسنجی است که توسط گارنفسکی و همکاران (۲۰۰۱) برای شناسایی راهبردهای مقابله‌ای شناختی پس از تجربه کردن وقایع یا موقعیت‌های منفی تدوین شد. این پرسشنامه با ۹ مؤلفه (مؤلفه‌های مثبت: پذیرش تمرکز محدود مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت، دیدگاه پذیری و مؤلفه‌های منفی: ملامت خویش، نشخوارگری، فاجعه‌سازی و ملامت دیگران) دارای ۳۶ ماده است. این پرسشنامه در گروه‌های بهنجار و بالینی از سن ۱۲ سال به بالا قابل اجرا است. پاسخ‌های این پرسشنامه در یک پیوستار ۵ درجه‌ای (همیشه، اغلب اوقات، معمولاً، گاهی و هرگز) جمع‌آوری می‌گردد. نمره هر راهبرد از طریق جمع نمرات داده شده به هر یک از عبارات تشکیل دهنده آن راهبرد به دست می‌آید و می‌تواند در دامنه‌ای از ۴ تا ۲۰ قرار بگیرد و جمع کل نمرات در دامنه‌ای از ۳۶ تا ۱۸۰ قرار می‌گیرد. این آزمون در ایران توسط حسنی (۱۳۸۹) ترجمه و مورد استفاده قرار گرفت. سازندگان این پرسشنامه اعتبار آن را از طریق آلفای کرونباخ برای راهبردهای مثبت ۰/۹۱، راهبردهای منفی ۰/۸۷ و کل پرسشنامه ۰/۹۳ محاسبه کرده‌اند. اعتبار بدست آمده برای کل آزمون با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و برای عامل‌های تشکیل دهنده آزمون بین ۰/۷۷ تا ۰/۸۸ قرار داشت و با استفاده از روش بازآزمایی برای کل آزمون ۰/۷۷ به دست آمد. روایی ملاکی آزمون از طریق همبستگی نمره کل با نمرات خرده مقیاس‌ها در دامنه‌ای از ۴ تا ۹/۶۸ با میانگین ۰/۵۶ گزارش شده که نشان از وضعیت مطلوب روایی پرسشنامه دارد.

### داده‌ها و یافته‌ها

تحلیل داده‌های جمعیت شناختی نشان داد ۱۴/۸ درصد گروه نمونه را نوجوانان ۱۳ ساله، ۸۱ درصد را نوجوانان ۱۴ ساله و ۴/۲ درصد را نوجوانان ۱۵ ساله تشکیل می‌دادند. یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول (۱) آورده شده است. با توجه به اینکه اساس معادلات ساختاری مفهوم همبستگی است در ادامه ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش گزارش می‌شود.

جدول ۱. یافته‌های توصیفی مقیاس‌های تحقیق				
شاخص آماری مقیاس	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
رابطه والد-فرزندی	۱۳۴/۶۵	۱۱/۲۰	۰/۴۸	۰/۲۹
تنظیم هیجان مثبت	۸۲/۷۸	۸/۵۰	۰/۴۱	-۰/۱۰
تنظیم هیجان منفی	۷۹/۲۷	۸/۷۱	۰/۰۹	-۰/۵۷
پرخاشگری	۹۱/۶۷	۸/۸۲	-۰/۱۵	۰/۱۸

بازآزمایی (۰/۹۶) و همسانی درونی (آلفای کرونباخ، ۰/۹۱) به دست آمد، ضریب پایایی هر یک از زیرمقیاس‌های این آزمون نیز با روش همسانی درونی در حد مطلوب گزارش شده است.

روایی این آزمون از طریق تعیین ضریب همبستگی آن با فرم کوتاه آزمون حل مسئله اجتماعی دی زوریلا و نزو و مای دیو-یوارس، مقیاس اضطراب کتل، و خرده آزمون پرخاشگری آزمون SCL90 به دست آمد که رضایتبخش و معنی دار بود. این مقیاس در ارتباط با شناخت، احساسات و رفتار پرخاشگرانه ساخته شده است و می‌توان براساس نتایج آن ابعاد پرخاشگری را شناسایی و برنامه‌های مداخله‌ای را طراحی کرد.

مقیاس رابطه والد-فرزندی باقری: پرسشنامه ارزیابی رابطه والد - فرزند توسط باقری (۱۳۹۱) ساخته شده است که از ۴۸ گویه تشکیل شده است که به منظور سنجش کیفیت ارتباط والدین و فرزندان بکار می‌رود.

این پرسشنامه دو فرم دارد که یکی برای سنجش رابطه فرزند با مادر و دیگری برای سنجش رابطه فرزند با پدر است. هر دو فرم برای پدر و مادر یکسان است، به جز کلمات «پدر» و «مادر» که قابل تغییر است. بنابراین فقط یک فرم در اینجا آورده شده است. اما در فرم‌های پدر و مادر عامل‌های مختلفی وجود دارد.

شیوه‌ی نمره‌گذاری سؤالات به صورت طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای (کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۵) است.

ضرایب پایایی خرده مقیاس‌های این پرسشنامه در فرم والد پدر عبارتند از: انعطاف‌پذیری (۰/۶۸)، تزلزل-نرمی (۰/۵۶)، کنترل و محدودیت (۰/۷۸)، نازپروردگی (۰/۶۴)، رسمیت (۰/۷۴)، در هم تنیدگی (۰/۸۲)، پذیرش مشروط (۰/۵۹)، رهایی (۰/۰۶)، الگوی امنیت مدار (۰/۸۶) و الگوی آزادی مدار (۰/۸۳). همچنین ضرایب پایایی خرده مقیاس‌های این پرسشنامه در فرم والد مادر عبارتند از: انعطاف‌پذیری (۰/۷۷)، تزلزل-نرمی (۰/۵۹)، کنترل و محدودیت (۰/۶۸)، نازپروردگی (۰/۷۵)، رسمیت (۰/۷۸)، در هم تنیدگی (۰/۷۸)، پذیرش مشروط (۰/۶۸)، رهایی (۰/۶۱)، الگوی امنیت مدار (۰/۸۹) و الگوی آزادی مدار (۰/۸۷).

در پژوهش براتی و باقری (۲۰۱۷) شاخص‌های برازندگی مؤید معتبر و مقبول بودن مدل نظری طراحی شده پرسشنامه بود. علاوه بر همه سؤالات با عامل‌های مورد نظر ارتباط معنادار دارند و بنابراین پرسشنامه از روایی‌سازه مناسبی برخوردار است.

مناسبی برخوردار نیست و نیاز به اصلاحات دارد. به منظور اصلاح شاخص‌های برازش مدل با پیشنهاد نرم‌افزار کوواریانس میان برخی زیرمقیاس‌های متغیرهای رابطه والد فرزندی ایجاد شد تا شاخص‌های برازش مدل در وضعیت مطلوبی قرار گرفتند. در ادامه ضرایب مسیر استاندارد شده‌ی مدل‌های اصلاحی در شکل و جدول ارائه شده است.

با توجه به اینکه در مدل‌های آزمون شده بالا، مسیرهای بین متغیرها همان فرضیه‌های پژوهش هستند، در ادامه به همراه جداول اثرات مستقیم و غیر مستقیم به آزمون فرضیات پژوهش پرداخته شده است.

نام شاخص	مقدار	شاخص‌های برازش
$(\chi^2)/df$	۲/۲۷	حد مجاز کمتر از ۳
ریشه میانگین خطای برآورد RMSEA	۰/۰۷	کمتر از ۰/۱
CFI برازندگی تعدیل یافته	۰/۹۴	بالاتر از ۰/۹
NFI برازندگی نرم شده	۰/۹۳	بالاتر از ۰/۹
GFI نیکویی برازش	۰/۹۶	بالاتر از ۰/۹
AGFI نیکویی برازش اصلاح شده	۰/۹۴	بالاتر از ۰/۹

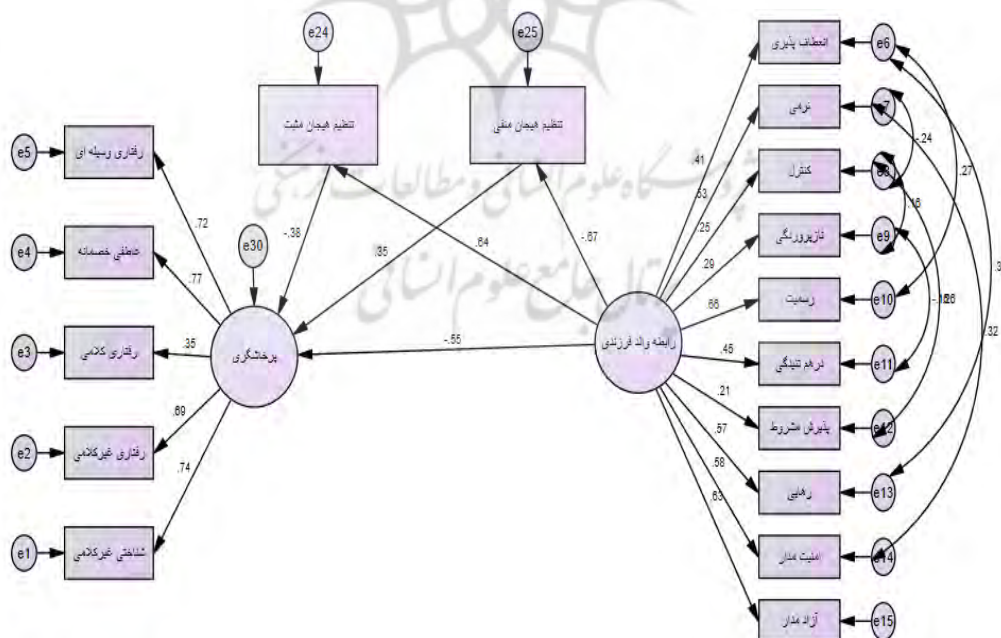
شاخص آماری	رابطه والد-فرزندی	تنظیم هیجان مثبت	تنظیم هیجان منفی	پرخاشگری
رابطه والد-فرزندی	۱			
تنظیم هیجان مثبت	**۰/۶۱	۱		
تنظیم هیجان منفی	**۰/۶۶	**۰/۵۸	۱	
پرخاشگری	**۰/۵۹	**۰/۴۲	**۰/۳۸	۱

\*\*p<0.01

نتیجه ماتریس همبستگی نشان می‌دهد روابط بین متغیرهای پژوهش با ۹۹ درصد اطمینان معنادار است.

یکی از مفروضه‌های مدلسازی معادلات ساختاری نرمال بودن توزیع چند متغیری است. برای این منظور در نرم افزار AMOS از ضریب کشیدگی چند متغیری مardia استفاده می‌شود. بنتلر (۲۰۰۵) پیشنهاد می‌کند که مقادیر بزرگتر از ۵ برای ضریب مardia نشان دهنده توزیع غیر نرمال داده‌ها است (بیرن، ۲۰۱۰). مقدار ضریب مardia برای داده‌های پژوهش حاضر برابر با ۳/۱۹ است که نشان می‌دهد مفروضه نرمال بودن چند متغیره برقرار است.

مقدارهای بدست آمده برای این شاخص‌های برازش مدل اولیه نشان داد که در مجموع الگو در جهت تبیین و برازش از وضعیت



شکل ۱. مدل اصلاحی در حالت ضرایب استاندارد شده

جدول ۴. ضرایب و معناداری اثر مستقیم و غیر مستقیم رابطه والد-فرزند بر پرخاشگری						
متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	نوع اثر	ضریب استاندارد نشده	$\beta$ استاندارد شده	آماره‌ی سوبل	sig
پرخاشگری	رابطه والد-فرزند	مستقیم	-۰/۴۹	-۰/۵۵	-۳/۹۵	۰/۰۰۱
پرخاشگری	رابطه والد-فرزند	به واسطه‌ی تنظیم هیجان مثبت	-۰/۲۱	-۰/۲۴	-۲/۶۸	۰/۰۰۱
پرخاشگری	رابطه والد-فرزند	به واسطه‌ی تنظیم هیجان منفی	۰/۱۸	۰/۲۳	۲/۵۷	۰/۰۰۲

یاکوب (۲۰۱۰). و اسمکوسکی و همکاران (۲۰۱۷) همخوانی دارد. همسو با یافته پژوهش حاضر، میرزایی کوتناییو همکاران (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان رابطه انسجام خانواده و تعامل والد-فرزند با حرمت خود و پرخاشگری فرزندان انجام داد. نتایج تحلیل همبستگی حاکی از وجود رابطه منفی و معنادار بین انسجام خانواده، تعامل والد-فرزند و ابعاد آن با پرخاشگری کل و خرده مقیاس‌های آن بود.

همچنین پوپو و ایلسانمی (۲۰۱۵) نشان داده اند که تعامل منفی والد-فرزند که منجر به کاهش نظارت فرزند، نظم و انضباط تنبیهی بیشتر و مشارکت کمتر در فعالیت‌های فرزند می‌شود، باعث افزایش رفتارهای ضد اجتماعی چون پرخاشگری فرزندان می‌شود.

همسو با یافته‌های پژوهش حاضر موری و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهش خود به این نتایج دست یافتند که کیفیت تعامل پدر-دختر و مادر-دختر با سطوح پایین‌تری از پرخاشگری دختران همراه بوده است؛ یافته‌های این پژوهش نشان داد تعاملی که دخترها به طور مشترک با هر دو والد خود دارند، پیش‌بینی کننده قوی‌تر پرخاشگری است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت که هم راستا با پژوهش‌های قبلی بین انحرافات نوجوانان و تعارضات والدین با یکدیگر رابطه‌ی مثبت و قوی وجود داشته است. خانواده‌هایی که تعارضات بین والدینی در آنها زیاد است به احتمال قوی نمی‌توانند رفتارهای مناسب اجتماعی را به فرزندان آموزش دهند. همچنین، فرزندان این خانواده‌ها به احتمال زیاد رفتارهای والدین را الگوی مناسب برای رفتار با دیگران تلقی می‌کنند و مطالعات خارجی و داخلی نیز این نتایج را تأیید می‌کنند. بنابراین، در خانواده‌هایی که کیفیت روابط منفی است و سرشار از تعارض و اختلاف است، تعارض به فرزند و رفتارهای او گسترش پیدا می‌کند و این گونه روابط و زمینه‌های خانوادگی موجب مشکلات سازگاری در فرزندان می‌شود. بسیاری از اختلال‌های رفتاری در خانواده‌هایی مشاهده می‌شود که فضای حاکم بر آن

آنچه از نتایج جدول فوق برمی‌آید این است که عوامل رابطه والد-فرزند اثر مستقیم منفی بر پرخاشگری داشته است، رابطه‌ی رابطه والد-فرزند با پرخاشگری به صورت مستقیم برابر  $t = -۳/۹۵$  و  $\beta = -۰/۵۵$  است. بنابراین فرضیه مطرح شده در ارتباط با وجود اثر مستقیم رابطه والد-فرزند بر پرخاشگری نوجوانان دختر با ۹۵ درصد اطمینان مورد تأیید بوده است.

جهت بررسی اثر متغیر میانجی نگرانی در رابطه بین رابطه والد-فرزند با پرخاشگری، از آزمون سوبل استفاده گردید. یک روش مورد استفاده برای سنجش معنی‌داری اثر متغیر واسطه آزمون سوبل (۱۹۸۲) است که مستقیماً معنی‌داری  $ab$  را نسبت به توزیع بهنجار  $Z$  با استفاده از خطای استاندارد متغیر میانجی می‌سنجد. بدین ترتیب که پس از تقسیم حاصل ضرب دو ضریب غیر استاندارد که مسیرهای متغیر واسطه را تشکیل می‌دهند بر خطای استاندارد این حاصل ضرب، نسبت بدست آمده با جدول توزیع بهنجار مقایسه می‌شود؛ اگر نسبت بدست آمده بزرگ‌تر از  $۱/۹۶$  باشد نتیجه گرفته می‌شود که اثر متغیر میانجی معنی‌دار است.

آنچه از نتایج جدول فوق برمی‌آید این است که فرضیه مطرح شده در ارتباط با وجود اثر غیرمستقیم رابطه والد-فرزند بر پرخاشگری نوجوانان دختر به واسطه‌ی تنظیم هیجان مثبت و منفی با ۹۵ درصد اطمینان مورد تأیید بوده است.

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج آزمون آماری نشان داد شاخص‌های برازش مدل پژوهش در وضعیت مطلوبی قرار دارد. همچنین متغیر رابطه والد-فرزند بر پرخاشگری نوجوانان هم اثر مستقیم و هم اثر غیرمستقیم (به واسطه‌ی تنظیم هیجان) دارد ( $p < 0.05$ ).

این یافته با نتایج پژوهش‌های میرزایی کوتناییو و همکاران (۱۳۹۴)، و پوپو و ایلسانمی (۲۰۱۵)، موری و همکاران (۲۰۱۴)،



این پژوهش نیز از این قاعده مستثنی نیست. ناتوانی در کنترل اختلالات روان‌شناختی نوجوانان دختر مورد مطالعه و والدینشان محدودیت پژوهش حاضر بود.

### منابع

- ابوالمعالی، خدیجه (۱۳۹۲). پیش‌بینی اضطراب، پرخاشگری و شایستگی اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی بر اساس کمال‌گرایی ناسازگارانه والدین. *فصلنامه روانشناسی تربیتی*، ۴(۱)، ۳۵-۲۵.
- استورا، جین. بنجامین. (۱۹۹۱). *تنیدگی یا استرس بیماری جدید تمدن*. ترجمه پریخ دادستان (۱۳۹۰). تهران: انتشارات رشد.
- باقری، فریبرز. (۱۳۹۱). الگوی ارتباط والد-فرزند، مدل نظری فرزند پروری بر مبنای هستی و انسان‌شناسی اسلامی. *دو فصلنامه اندیشه ورزی در معارف اسلامی*، ۱(۱)، ۳۹-۵.
- بشیری خطیبی، بهنام و فخرایی، سیروس. (۱۳۹۲). بررسی علل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر پرخاشگری در میان خانواده‌های تبریز. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۵۰(۲)، ۲۳۳-۲۲۱.
- ساجدی، ژیلا. ضرابیان، کاظم و صادقیان، عفت. (۱۳۸۹). بررسی شیوع مشکلات رفتاری کودکان ۳ تا ۶ ساله مهدهای کودک و کلاس‌های آمادگی تحت نظارت سازمان بهزیستی شهر همدان. *مجله علمی پژوهشی دانشکده پرستاری و مامایی همدان*، ۱۸(۱)، ۲۱-۱۱.
- جلیلیان، فرزاد. رخشانی، فاطمه. احمدپناه، محمد. زینت مطلق، فاضل. معینی، بابک. مقیم بیگی، عباس و آمدادی، شهره (۱۳۹۲). شیوع و عوامل مرتبط با اختلالات رفتاری در دانش‌آموزان دبستانی شهر همدان. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی همدان*، ۱۹(۴)، ۶۸-۶۲.
- حسینی، جعفر. (۱۳۸۹). خصوصیات روانسجی پرسشنامه تنظیم‌شناختی هیجان، *مجله روانشناسی بالینی*، ۳، ۸۳-۷۳.
- ملکی، صدیقه. فلاحی خشکناب، مسعود. ره‌گوی، ابوالفضل و رهگذر، مهدی. (۱۳۹۰). بررسی تاثیر آموزش گروهی مهارت کنترل خشم بر پرخاشگری دانش‌آموزان پسر ۱۵-۱۲ سال. *نشریه پرستاری ایران*، ۲۴(۶۹)، ۳۵-۲۶.
- میرزایی کوتنایی، فرشته (۱۳۹۴). *رابطه انسجام خانواده و تعامل والد-فرزند با حرمت خود و پرخاشگری فرزندان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان.
- یعقوبی، کزال. سهرابی، فرامرز و مفیدی، فرخنده (۱۳۹۰). بررسی و مقایسه میزان پرخاشگری کودکان طلاق و عادی. *مطالعات روان‌شناختی*، ۱(۱)، ۷۹-۱۰۹.

پرخاشگرانه است و ارتباطات برای فرزندان تهدیدآمیز تلقی می‌شود. در مطالعه‌ای دیگر، روبرتون، دافرن و باکس (۲۰۱۲) به بررسی تعارض بین والدین و مشکلات هیجانی و رفتاری نوجوانان پرداختند. شواهد تجربی رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری را بین نوجوانانی که در محیط خانوادگی خشونت‌زده زندگی می‌کنند و توسعه اختلال شناختی، عاطفی، رفتاری و اجتماعی نشان داد. در واقع، در این مطالعه نوجوانان در معرض تعارض و درگیری بین والدین در حوزه عاطفی در معرض تجربه احساسات حاد افسردگی، از دست دادن، غم، سردرگمی، احساس گناه، ترس، ناامنی و عدم اعتماد به نفس هستند. در مجموع به نظر می‌رسد، خانواده و روابط والدین با یکدیگر نقش مهمی در بهداشت روانی فرزندان ایفا می‌کند. بنابراین، درباره نقش خانواده در پرخاشگری فرزندان می‌توان بر اهمیت چگونگی عملکرد خانواده و روابط والدین با یکدیگر اشاره کرد. همان‌گونه که تعارض و کشمکش بین والدین و ایجاد محیطی تنش‌زا منجر به پرخاشگری در فرزندان می‌شود، ایجاد محیطی سالم و جو هیجانی مثبت منجر به سلامت و بهداشت روانی فرزندان می‌شود.

در پژوهشی جلیلیان و همکاران (۱۳۹۲) نشان دادند که تعارض والد-نوجوان همراه با روابط خصومت‌آمیز در خانواده منجر به احساس ناکامی شده و این احساس نگرش‌های ضداجتماعی را بر می‌انگیزد که در نهایت باعث رفتارهای انحرافی در نوجوان خواهد شد و داده‌های این پژوهش روابط معنی‌داری بین متغیرهای ذکر شده و رفتارهای انحرافی نوجوان نشان داد.

به علاوه براساس چارچوب نظری الگوی باقری باید گفت که عدم صمیمیت در بین اعضای خانواده خصوصاً والدین و فرزند منجر به احساس طرد شدن فرزند از سوی والد می‌شود که می‌تواند نگرش‌های ضداجتماعی را در او ایجاد کند. در حقیقت گرمی روابط و عواطف و همچنین پیوند و تعهد عاطفی موجود در بین اعضای خانواده که از ویژگی‌های اصلی خانواده‌های منسجم محسوب می‌شود، در فرزندان آنها این احساس را به وجود می‌آورد که مورد پذیرش والدین هستند و والدین نسبت به خواسته‌های آنها حساس هستند.

در مجموع می‌توان بیان نمود که مشکلات والدین می‌تواند پرخاشگری فرزندان را تحت تأثیرات منفی قرار دهد. لذا، برطرف کردن مشکلات خانواده و ایجاد فضایی مناسب در خانه منجر به سلامت روانی فرد و کاهش پرخاشگری در نوجوانان می‌شود.

هر کار پژوهشی با محدودیت‌های خاص خود رو به روست که

- Pakaslahti, K. (2000). Children and adolescent aggressive behavior context: the development and application of aggressive problem-solving strategies. *Journal of Aggression and violent behavior*, 5 (5), 467- 490.
- Popov LM, Ilesanmi RA (2015). Parent-Child Relationship: Peculiarities and Outcome. *Review of European Studies.*; 7(5):253.
- Roberton, T., Daffen, M., Bucks, R.S. (2012). Emotion regulation and aggression. *Aggression and violent behavior*, 17 (1), 72-82.
- Rodriguez, C.H. M., Tucker, M.C., & Palmer, K. (2016). Emotion Regulation in Relation to Emerging Adults' Mental Health and Delinquency: A Multi-informant Approach. *Journal of Child and Family Studies*, 25 (6), 1916-1925.
- Sanders, M.R., Markie-Dadds, C., Rinaldis, M., Friman, D., & Baig, N. (2007). Using household survey data to inform policy decisions regarding the satisfaction report. *Canadian Journal of School Psychology*, 16, 53-64.
- Sandler, I.N., Tein, J.Y & West, S.G. (1994). "Coping, stress, and the psychological symptoms of children of divorce: A cross-sectional and longitudinal study". *Child Development*, 65, 1744-1763.
- Solem, M., Christophersen, K., Martinussen, M. (2011). Predicting parenting stress: children's behavioral problems and parent's coping. *Infant Child*, 20, 162-180.
- Szasz, P.L., Szentagotai, A., & Hofmann, S.G. (2011). The effect of emotion regulation strategies on anger. *Behavior research and therapy*, 49 (2), 114-119.
- Tabachnick, B. G., & Fidell, L. S. (2001) *Using Multivariate Statistics* (4th ed.). Boston: Allyn & Bacon.
- Yaacob NRN, Siew HS (2010). Mother working status and physical aggressive behavior among children in Malaysia. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*; 5:1061-1066.
- Barati, M., & Bagheri, F. (2017). Comparison of Resilience in Equilibrium and no Equilibrium Parent-child Relation Patterns. *Specialty Journal of Psychology and Management*, 3(1), 30-37.
- Ciarrochi, V.J., Chan, Y.C., & Cipti, D. (2001). A critical evaluation of emotional intelligence construct. *Journal of Personality and Individual Differences*, 28, 797-812.
- Dillon, D. G., Ritchey, M.; Johnson, B. D. & La-Bar, K. S. (2007). Dissociable effects of conscious emotion regulation strategies on explicit and implicit memory. *Emotion*, 7 (2), 354-365.
- Ellis ML, Weiss B, Lochman JE (2009). Executive functions in children: associations with aggressive behavior and appraisal processing. *J Abnorm Child Psychol*; 37(7):945-56.
- Evelina, V. (2013). Predicting the change of child's behavior problems: sociodemographic and maternal parenting stress factors. *Social transformations in contemporary society*. ISSN 2345-0126 (Online).
- Feldman-Barrett L, Gross J, Christensen TC, Benvenuto M (2001). Knowing what you're feeling and knowing what to do about it: mapping the relation between emotion differentiation and emotion regulation. *Cognition and Emotion*; 15: 713-24.
- Fontaine, R.G. (2006). Applying system principles to models of social information processing and aggressive behavior in youth. *Journal of aggression and violent behavior*, 11, 64-76
- Fox, E. Rausoo, R, Dutton, K. (2001). Attention for delayed disengagement from emotional faces. *Journal of Cognition and Emotion*, 16; 355-379.
- Garnefski, N., Kraaij, V., & Spinhoven, P. (2001). Negative life events, cognitive emotion regulation and emotional problems. *Personality and Individual Differences*, 30, 1311-1327.
- Ly, T (2010). *The relationship between adult attachment style Hostile Attribution Bias and Aggressions [MA Thesis]*. USA: University of North Carolina.
- Martin, R.C., & Dahlen, E.R. (2005). Cognitive emotion regulation in the prediction of depression, anxiety, stress, and anger. *Personality and Individual Differences*, 39 (7), 1249-1260.
- Mash, E. J., & Johnston, C. (1990). Determinants of parenting stress: Illustrations from families of hyperactive children and families of physically abused children. *Journal of Clinical Child Psychology, Special Issue: The Stresses of Parenting*, 19, 313-328.
- Moher N (2009). *Psychiatric mental health nursing*. New York: Wiley & Sons;. P.556.
- Murray KW, Dwyer KM, Rubin KH, Knighton-Wisor S, Booth-LaForce C (2014). Parent-child relationships, parental psychological control, and aggression: maternal and paternal relationships. *J Youth Adolesc.*; 43 (8):1361-73.
- Neece, CL., Green, S.A., & Baker, B.L. (2012). Parenting stress and child behavior problems: a transactional relationship across time. *Am J intellect of Early Adolescence*, 15, 203-219.